

## بررسی سنگ چشم‌گونه در شاهنشاهی هخامنشی

نیلوفر رضایی نراقی<sup>۱</sup> ID

### چکیده

طی کاوش محوطه‌های تخت جمشید، پاسارگاد، و شوش تعداد فراوانی سنگ چشم‌گونه در بین اشیاء کشف‌شده به‌دست آمد که بعضی از آنها با نوشته و بدون سوراخ آویز، بعضی بدون نوشته و با سوراخ آویز و بعضی بدون نوشته و بدون سوراخ آویز بودند. این نوع سنگ دارای دو رنگ است: تیره در مرکز و روشن در حاشیه که تداعی‌کننده چشم است. حضور این نوع سنگ چشم با نوشته بابل‌ی در گنجینه هخامنشی می‌تواند مربوط به غنایم جنگی از این منطقه باشد، اما کاربرد سنگ چشم‌های بدون نوشته چه بوده است؟ آیا به‌عنوان چشم مجسمه استفاده می‌شده‌اند؟ در این صورت، چه تفاوتی با چشم‌های مرصع به‌دست‌آمده از دیگر محوطه‌های هخامنشی مانند محوطه برازجان، یا چشم‌های مهره‌ای دارند؟ هدف این مقاله معرفی این یافته‌ها و توضیح کاربرد آنهاست. به این منظور، از روش توصیفی و مقایسه‌ای استفاده شده است. در این مقاله، نخست به شرح کشف این یافته در گنجینه‌های هخامنشی و چشم‌های ثبت‌شده در موزه تخت جمشید پرداخته می‌شود که هم‌زمان با توصیف انواع سنگ چشم همراه است، و در ادامه تفاوت آن با چشم‌های مرصع کشف‌شده در محوطه برازجان و چشم‌های مهره‌ای بررسی می‌شود. با استناد به توضیحات و خصوصیات انواع سنگ چشم و تفاوت آنها با چشم‌های مرصع از نقطه نظر اندازه و رنگ و فن ساخت، می‌توان کاربرد سنگ چشم‌های بدون نوشته را تزئینی و کاربرد سنگ چشم‌های با نوشته را مربوط به مراسم نذر دانست.

واژه‌های کلیدی: گنجینه‌های هخامنشی، سنگ چشم، چشم مرصع، چشم مهره‌ای.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه سوربن، فرانسه [fr.Niloufar.Rezaei-Naraghi@etu.univ-parisi](mailto:fr.Niloufar.Rezaei-Naraghi@etu.univ-parisi)

مشخصات مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱۰ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۷/۱/۲۲

استاد: رضایی نراقی، نیلوفر (۱۴۰۱). "بررسی سنگ چشم‌گونه در شاهنشاهی هخامنشی"، پژوهشنامه ایران باستان، سال ۱، شماره ۱: ۶۷-۷۹.

## مقدمه

در همه فرهنگ‌ها سنگ جسمی مقدس به حساب می‌آید. این به علت ارتباط آن با جاودانگی و قدرت ماوراءطبیعی است که در باور انسان تداعی می‌کند. خصوصیات سنگ در ذهن بشر باعث خیال‌پردازی شده است، به‌خصوص در فرهنگ‌هایی مانند بین‌النهرین که در چشم‌انداز طبیعی آن کوه دیده نمی‌شود (André-Sal, 1995). همچنین تبادل و تجارت نقش مهمی در دست به دست شدن سنگ تزئینی در سرزمین‌های مختلف داشته است. این تبادل تجاری در هزاره چهارم پ.م با شهرسازی به اوج خود می‌رسد. در واقع، در این دوره شهرسازی باعث تحول در ساختار اجتماعی جامعه می‌شود. از این به بعد، شهر صرفاً تجمعی از خانه‌ها نبوده است، بلکه محل تبادل کالا و فعالیت‌های متنوع و تجمع صنعتگران دوره‌گرد نیز بوده است (Huot, 2004: 73). بدین صورت، صنعتگران ماهر برای تولید محصولات باکیفیت به استخدام کارگاه‌های سلطنتی درمی‌آیند. مجسمه‌های تولیدی این کارگاه‌ها کاربردهای مذهبی یا سلطنتی یا تدفینی داشته‌اند و استفاده از سنگ تزئینی در آنها از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است (Spycket, 1981). استفاده از سنگ تزئینی برای چشم انسان در مجسمه‌ها از یک سو برای ایجاد تضاد بین دو رنگ متفاوت در سنگ و از سوی دیگر برای روح‌بخشیدن به مجسمه بوده است. سه نوع شیء چشم‌گونه با فن ساخت متفاوت شناخته شده‌اند که شامل سنگ چشم، چشم مرصعی، و چشم مهره‌ای هستند.

طی حفاری تخت‌جمشید در زمستان سال ۱۳۳۵، یک سنگ چشم با نوشته بابلی یافت شد. این سنگ چشم با دورنگ سفید و سیاه دارای ۲/۵ سانتی‌متر قطر بوده و نوشته آن با عبارت «تقدیمی نوکد نصر به مردوک» در قسمت سیاه چشم حک شده است. سنگ چشم دیگری با همین اندازه در آبان ماه سال ۱۳۳۷ در همین منطقه کشف شد که علاوه بر چهار خط بابلی دارای سوراخ آویز هم بوده است (سامی، ۱۳۳۸). همچنین در گنجینه‌های یافت‌شده در پرسپولیس و پاسارگاد تعداد فراوانی از این سنگ چشم‌ها در بین اشیای این گنجینه‌ها وجود داشتند. در کاوش محوطه هخامنشی بردک‌سیاه برازجان نیز حضور چشم ثبت شده است که با سنگ چشم متفاوت است.

## پیشینه پژوهش

حضور سنگ چشم برای اولین بار در سال ۱۷۶۰ در یک مجموعه توسط وینکلمان<sup>۱</sup> ذکر و توصیف شده است. در چاپ بخشی از کلکسیون واینی در روم<sup>۲</sup> بود که او کاربرد آن را مذهبی معرفی کرد. در سال ۱۸۹۰ برای اولین بار سنگ چشم جزو یافته‌های گنجینه نیپور<sup>۳</sup> ثبت شده است و در ادامه کاوش‌های باستان‌شناسی آن را در بین اشیاء بابلی و آشوری و هخامنشی می‌بینیم. باستان‌شناسانی چون اسمیت<sup>۴</sup>، تامسون<sup>۵</sup>، اسمیت<sup>۶</sup>، وان‌بورن<sup>۷</sup> و افراد دیگری سعی در تفسیر کاربرد این شیء کردند. از نظر اسمیت، سنگ چشم عنصر مرصع برای تزئین مجسمه مذهبی بوده است؛ برای وان‌بورن، کاربرد طلسم چشم زخم را داشته است؛ از نظر اسمیت، از این نوع سنگ به‌عنوان عنصر

1 Winckelmann

2 Vaini Collection in Rome

3 Nippur

4 Smith

5 Thompson

6 Schmidt

7 Van Buren

آشوری بوده‌اند. بسیار مشکل است که تفاوتی بین کاربرد این اشیاء برای آویز فردی (مهره‌ها و سنگ چشم‌ها) و کاربرد طلسم‌گونه آنها قائل شد. بیشتر مهره‌ها و سنگ چشم‌های با نوشته از سنگ اونیکس یا کلسدون هستند، درحالی‌که برای تولید مهر استوانه‌ای سنگ لاجورد برتری داشته است. نمی‌توان با قاطعیت گفت که این اشیاء جزو غنیمت جنگی بوده یا از تولیدات صنایع دستی محلی محسوب می‌شده‌اند. درباره حضور اشیایی چون چشم اوروس (دو طلسم مصری) که در این گنجینه وجود دارند با اطمینان می‌توان گفت که جزو غنایم جنگی از منطقه نیل بوده‌اند (Schmidt, 1957: 56-58) (تصویر ۱).

### گنجینه پاسارگاد

این گنجینه مانند گنجینه تخت‌جمشید در کاوش کاخ پاسارگاد کشف شد و شامل یک کوزه حاوی ۱۱۶۲ شیء از طلا و نقره بود که در بین آنها تعداد ۲۷ مهره از سنگ وجود داشت. چهار عدد سنگ چشم آویزی از سنگ اونیکس با قطری به اندازه ۰/۹ سانتی‌متر، چهار مهره از سنگ کورنالین آویزی، یک مهره خال‌خال سیاه و سفید با یک سوراخ ساده، یک قطعه سنگ اونیکس برای آویز با درازای ۲/۲ سانتی‌متر، و شش قطعه سنگ با نوشته یادداشت شدند (Stronach, 1963: 32) (تصویر ۲).

### سنگ چشم‌های موزه تخت‌جمشید

سنگ چشم‌های موجود در موزه تخت‌جمشید بدون نوشته و جزو اشیاء مخزن هستند و تمامی آنها از یافته‌های محوطه تخت‌جمشید است. این مجموعه شامل ۵۲ قطعه سنگ چشم است: ۴۲ عدد آن به شکل گرد، پنج عدد آن به شکل بیضی، سه عدد آن شکسته، و دو عدد آن به شکل بادامی است. در این مقاله، ۳۷

مرصع در جواهرات و مبلمان استفاده می‌شده است (Clyden, 2009: 38-39). چون تعداد فراوانی از این یافته در بین اشیاء باستان‌شناسی محوطه‌هایی همچون تخت‌جمشید و پاسارگاد که حکم پایتخت را داشته‌اند، وجود داشته است اهمیت شناخت کاربرد آنها بیشتر می‌شود تا بتوان دلیلی برای حضورشان در این گنجینه‌ها پیدا کرد. سؤال این است که آیا کاربرد آنها آویزی بوده یا برای تزیین اشیاء مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند؟ تفاوت آنها با چشم مرصعی و مهره‌ای در چیست؟

### روش پژوهش

روش تحقیق در اینجا براساس روش توصیفی است. به این منظور، به توصیف سنگ چشم‌های موجود در گنجینه‌های دوره هخامنشیان در موزه تخت جمشید شیراز پرداخته شده که با شناخت نوع سنگ چشم همراه است. در ادامه، شناخت و کاربرد چشم مرصع در مجسمه که نمونه آن در محوطه برازجان کشف شده توضیح داده می‌شود. اهمیت این تحقیق همانا معرفی انواع سنگ چشم و تفاوت کاربردی آنهاست.

### گنجینه تخت‌جمشید

گنجینه تخت‌جمشید شامل جواهراتی از نقره با سنگ چشم از سنگ آگت گاهی با سوراخ آویز، سنجاغ از مفرغ، نوک فلش، انگشتر از مفرغ و آهن، ورقه مفرغ، کاسه از سنگ، چراغ از خمیر آبی‌رنگ، و مهر استوانه‌ای از سنگ قهوه‌ای است. هنگام کاوش اتاق شماره ۶۳، باقی‌مانده چندین نوع سنگ تزیینی در زیر کف آن کشف شد که بین آنها سنگ چشمی از جنس سنگ کلسدون وجود داشت. یافته‌هایی چون مروارید، سنگ چشم، مهر استوانه‌ای و لوح گلی که به‌عنوان یافته‌های نذری در نظر گرفته شده است نیز کشف شدند که به‌احتمال زیاد اشیاء هدایی به معابد بابلی و

## تابلوی ۱. میانگین اندازه سنگ چشم‌ها مطابق با مدارک عکسی موزه تخت جمشید

شکل سنگ	تعداد	میانگین قطر	میانگین عرض	میانگین ضخامت
گرد	۲۹	۲۸ عدد ۱.۸۳ سانتی‌متر	۴ عدد ۱.۸ سانتی‌متر	۲۸ عدد ۰.۶۲ سانتی‌متر
بیضی	۴	۴ عدد ۱.۹۷ سانتی‌متر	۳ عدد ۱.۸ سانتی‌متر	۴ عدد ۰.۵۵ سانتی‌متر
شکسته	۲	۲ عدد ۳ سانتی‌متر	۲ عدد ۱.۸۵ سانتی‌متر	۲ عدد ۰.۸ سانتی‌متر
بادامی	۲	۲ عدد ۲.۹ سانتی‌متر	۲ عدد ۱.۶ سانتی‌متر	۱ عدد ۰.۵ سانتی‌متر

## تابلوی ۱ الف. جنس سنگ چشم‌ها مطابق با مدارک عکسی موزه تخت جمشید

جنس سنگ چشم گرد	هفده عدد از سنگ سفید، چهار عدد از سنگ خاکستری - سفید، یک عدد از سنگ بنفش - سفید، چهار عدد از سنگ نارنجی - سفید، دو عدد از سنگ قهوه‌ای - سفید، یک عدد از سنگ سیاه
جنس سنگ چشم بیضی	چهار عدد از سنگ سفید
جنس سنگ چشم شکسته	یک عدد از سنگ سفید، یک عدد از سنگ قهوه‌ای - سفید
جنس سنگ چشم بادامی	یک عدد از سنگ قهوه‌ای - سفید، یک عدد از سنگ خاکستری

و هم پشت برجسته وجود دارد که شاید از این برجستگی در تزیینات مبلمان مانند فن مرصع استفاده می‌شده است. فن تراش برای ساخت تمام این سنگ‌ها به‌کار رفته است. سنگ چشم شکسته درواقع قطعات شکسته از سنگ چشم است که فرم آنها مشخص و ثبت نشده است.

## سنگ چشم

سنگ‌های چشم‌گونه از سنگ‌ریزه کلسدون<sup>۱</sup> مانند اونیگس<sup>۲</sup> و اگت<sup>۳</sup> با فرم دایره یا بیضی با دو سطح گرد و تخت ساخته شده‌اند. سطح رویی آنها تراشیده و صیقل داده شده و دو دایره از رنگ متضاد، به‌طور معمول رنگ تیره در مرکز و رنگ روشن در حاشیه، دیده می‌شود. دو مدل سنگ چشم وجود دارد: ۱. با نوشته؛ ۲. بدون نوشته. ۷۸ قطعه سنگ چشم با نوشته در مدارک باستان‌شناسی شناخته و ثبت شده که توسط کلایدن به چاپ

سنگ چشم که با مدارک عکسی موزه مطابقت دارند مطرح شده‌اند. میانگین اندازه سنگ‌ها با توجه به اطلاعات موجود در فهرست موزه محاسبه شده است (تابلوی ۱ و ۱ الف). سنگ چشم‌ها با فرم گرد در دو اندازه بزرگ و کوچک وجود دارند. در بیشتر موارد، پشت سنگ مسطح است ولی در مواردی در پشت آن برجستگی دیده می‌شود. سنگ چشم‌های کوچک یا دارای سوراخ آویزند یا در پشت آنها شیارهایی وجود دارد که گاهی اثر قیر در این شیارها مشاهده شده است (Schmidt, 1957: Plate 44). به‌احتمال زیاد، این شیارها برای بهتر ثابت کردن سنگ چشم، به‌عنوان عنصر تزیین، بر مبلمان یا برای تزیین موزاییکی ایجاد شده بودند (Schmidt, 1957: Plate 40.no3). سنگ چشم‌های با فرم بیضی دارای پشت مسطح هستند و در فرم بادامی آن هم پشت مسطح

1 Calcédoine

2 Onyx

3 Agate

آلاباستر، سنگ آهک، صدف، استخوان، و کهربا از ترکیبات این گردن‌بند است (Schmidt, 1937: 223). در دوره آشور، از سنگ چشم به‌عنوان واحد تزئینی گردن‌بند و گوشواره استفاده می‌شده است. همچنین سنگ چشم‌هایی همراه با طلا مربوط به قرن هفتم پم در محوطه‌های زیویه و نیپور کشف شده‌اند (Clyden, 2009: 44-45). از ۱۲۲ عدد سنگ چشم بدون نوشته کشف‌شده در تخت جمشید فقط ۲۱ عدد آن دارای سوراخ آویز هستند (Schmidt, 1957: 77-78). در سال ۱۹۰۱ شانزده عدد سنگ چشم بدون نوشته مربوط به گردن‌بند در یک قبر هخامنشی در شوش کشف شد. طبق نظر دومورگان، به‌علت نبود وسیله جنگی در داخل قبر، این قبر می‌بایست متعلق به یک زن بوده باشد. از این ۱۶ سنگ، دو عدد آن دارای فرم بیضی با اندازه ۳۲ میلی‌متر طول و ۲۲ میلی‌متر عرض و دارای سوراخ آویز هستند. ۱۴ عدد آن دارای فرم دایره و ریز با سوراخ آویز است. ۱۱ عدد به شکل لوزی مسطح هستند و ۳۸ مهره دوکی‌شکل از سنگ آگت سیاه و سفید است. این گردن‌بند در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود (De Morgan, 1905: 34-56) (تصویر ۵). همچنین، در سال ۱۹۰۴، دومورگان یک گروه اشیای اهدایی برای پایه‌گذاری معبد شوشیناک، مربوط به دوره ایلام، در قسمت شمال غربی شوش کشف کرد که دارای یافته‌هایی از طلا، نقره، مفرغ و فلز بود. در بین این یافته‌ها یک سنگ چشمی از جنس سنگ کلسدون سفید با سوراخ آویز موجود بود که در مرکز آن فرورفتگی دایره‌شکلی دیده می‌شد که عمق آن تا وسط پهنای سنگ می‌رسید. به‌احتمال زیاد، این فرورفتگی برای مرصع کردن سنگ دیگری در وسط آن ایجاد شده بود. یک سنگ چشم دیگر از جنس

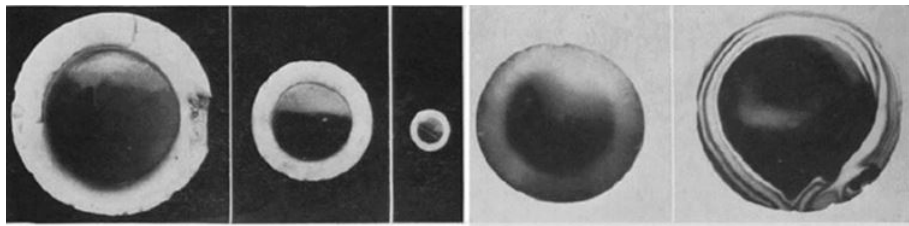
رسیده‌اند. اولین سنگ چشم با نوشته مربوط به دوران سلطنت شوسین<sup>۱</sup> بین سال‌های ۲۰۳۷ تا ۲۰۲۹ پم است که در کاوش شهر اوروک یافت شده است (Clyden, 2009: 41).  
 ۱. سنگ چشم با نوشته: اندازه متوسط این سنگ‌ها ۲.۷۷ سانتی‌متر با ضخامت ۱/۲۵ سانتی‌متر است. نوشته آنها شامل ذکر مالکیت، نذر، نام الهه و دعا بوده است. هر عبارت به‌صورت افقی روی سطح رویی سنگ چشم تنظیم شده و زمانی که عبارت طولانی بوده متن در دور تا دور سنگ بر قسمت روشن آن حک شده است (تصویر ۳).  
 ۲. سنگ چشم بدون نوشته: این نوع سنگ دارای شکل گرد، بیضی و بادامی است که یا جلا داده شده یا برش خورده و در هم چفت می‌شود (مانند فن مرصع). سنگ‌هایی چون اونیکس و ساردونیکس<sup>۲</sup> برش داده شده و به صورتی مرصع می‌شود که یک خط دایره‌ای قهوه‌ای یا قرمز - قهوه‌ای در مرکز باقی می‌ماند و دور آن را یک قاب سفید یا سفید - آبی در بر می‌گیرد. بعضی از سنگ چشم‌ها دارای سوراخ آویز قطری هستند و آنهایی که بدون سوراخ آویزند به‌احتمال زیاد برای تزئین موزاییکی استفاده می‌شده‌اند. در مدارک باستان‌شناسی دوره اکدیان<sup>۳</sup> حضور سنگ چشم بدون نوشته به ثبت رسیده است (Clyden, 2009: 38-47).  
 در ایران در دوره حصار<sup>۳</sup> این نوع سنگ چشم تزئینی یافت شده است. در شرق تپه حصار در سطح ۲ سنگ چشم‌های مربوط به ۲۴۰۰ تا ۲۱۷۰ پم کشف شده‌اند که در اصل واحد تشکیل‌دهنده گردن‌بند بوده‌اند (تصویر ۴). علاوه بر این سنگ چشم‌ها، سنگ کلسدون، لاجورد، کورنالین، کریستال، فیروزه، سرپانتین،

1 Šu-Sîn

2 Sardonyx

3 EDIII

تصویر ۱. جدول نمونه سنگ چشم بدون نوشته موجود در گنجینه تخت جمشید (Schmidt, 1957: 77)



حروف	شماره ثبت	محل یافت	مواد	ملاحظات
A	۱۴۳	حرم، اتاق ۸، بخش HF23	ساردونیکس، نارنجی - سفید، سطح رویی براق	دایره شکل، مرکز نارنجی، با سوراخ قطری
B	۳۲۴	خزینه، سالن ۴۱، کف، بخش HG40	اونیکس، قهوه ای - سفید، سطح رویی براق	دایره شکل، مرکز قهوه ای، با سوراخ قطری
C	۳۳۲	سالن تاج و تخت، رواق، بخش GF24	ساردونیکس، نارنجی - سفید، سطح رویی براق	دایره شکل، اندازه کوچک، مرکز نارنجی، بدون سوراخ، دور صاف
D	۲۸۵	سالن تاج و تخت، حیاط، بخش GF23	اونیکس، قهوه ای - قهوه ای خاکستری، یک رو براق	دایره شکل، دو رو، مرکز تیره رنگ با بقیه سطح سنگ هم تراز است، با سوراخ قطری
E	۴۸۳	خزینه، اتاق ۴۰، بخش HG12	اونیکس، قهوه ای تیره - سفید مایل به آبی، سطح رویی براق	دایره شکل، دو رو، سطح رویی دارای مشخصات نامنظم است، با سوراخ قطری

زیاد، حمله یونانیان به شاهنشاهی پارس به این سنت خاتمه داده است (Clyden, 2009: 46). طبق نظر کلایدن، سنگ چشم‌های بدون نوشته کاربردهای متعدد داشته که بر این اساس می‌توان آنها را به ۶ دسته تقسیم کرد:

۱. عنصر تزئین‌دهنده جواهرات مذهبی؛
۲. عنصر تزئین‌دهنده وسایل مراسم مذهبی؛
۳. عنصر ذخیره‌سازی گنجینه برای معبد؛
۴. شیء غیر مذهبی (سلطنتی) برای پرداخت مالیات؛
۵. شیء مربوط به سحر و جادو؛
۶. شیء تزئینی در معماری.

سنگ اکت به شکل دایره مسطح با سوراخ آویز و بدون نوشته در بین یافته‌ها موجود بوده که مردمک این سنگ چشم به رنگ قهوه‌ای و دور آن به رنگ سفید است (De Morgan, 1905: 67). در سال ۱۹۲۲، در شرق محل کاوش کاخ داریوش در شوش ۵ قبر متعلق به دوره ایلامی کشف شدند که یکی از آنها دارای اشیایی متفاوت از جمله گردن‌بند از جنس سنگ کورنالین، مهره و مهر از جنس خمیر، مهر از جنس سنگ، و مهره چشم زخم بوده است (De Mecquenem, 1922: 135). آخرین ثبت رسمی سنگ چشم در متون سلطنتی هخامنشی مربوط به نیمه قرن چهارم پم در پاسارگاد و تخت جمشید و شوش است. به احتمال



تصویر ۲. گردن‌بند با سنگ چشم، حفاری پاسارگاد (Stronach, 1965: Pl.XIVi)

نظامی هیتیت‌ها، کاسی‌ها و آشوریان بوده است و در اوایل هزاره اول پم (۱۰۰۰ تا ۳۳۳) صحنه هرج و مرج و جنگ‌های محلی می‌شود تا اینکه شاهنشاهی هخامنشی سرزمین‌های شرق را یکپارچه می‌کند. در دوره هخامنشیان (۵۵۹ تا ۳۳۰ پم) نقش برجسته برای پادشاهان هخامنشی، همانند پادشاهان آشوری، از هنرهای سلطنتی به شمار می‌آمده است. مجسمه در این دوره یک ظاهر کلیشه‌ای و استاندارد داشته و نقش صورت و شکل لباس و ریش و مو از یک قرارداد تعریف شده پیروی می‌کرده است. وجود بعضی ریزه‌کاری‌ها در نقش‌ها نشان از این داشته که آن محصول تولید کارگاه‌های سلطنتی بوده است. درباره مجسمه حیوانات باید گفت که شیرهای نگهبان از هزاره دوم پم در سوریه وجود داشته است، ولی این هنر در هزاره اول پم به اوج خود می‌رسد. مجسمه حیوانات در دوره هخامنشیان نیز از یک قرارداد ساخت، از ساده‌شده تا اغراق‌شده، پیروی می‌کرده است (Spycket, 1981).

در حفاری‌های کاخ چرخ‌آب در یک کیلومتری جنوب غربی شهر برازجان، یک مجموعه از

برای مثال، ساخت چشم با مردمک سیاه و سفید از شیشه رواج داشته که از آن به‌عنوان تزئین بر خشت ورودی در زیگورات چغازنبیل و در محوطه نوزی<sup>۱</sup> استفاده شده است (Clyden, 2009: 52-55).

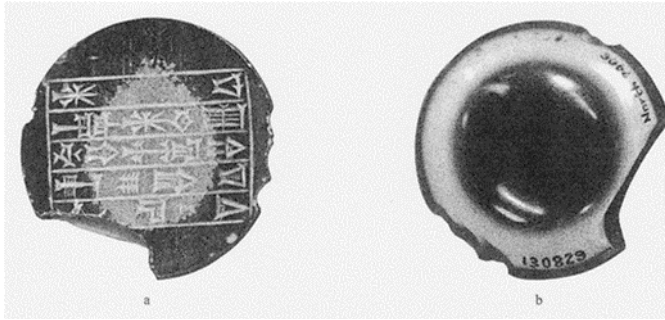
### چشم مرصع

اولین مجسمه با چشم مرصع در محوطه باستانی تل ساوان<sup>۲</sup> نزدیک رودخانه دجله کشف شد که براساس آزمایش کربن ۱۴ قدمت آن به هزاره ششم پم برمی‌گردد. این مجسمه دارای چشم مرصع از صدف بوده و مردمک آن به رنگ سیاه رنگ‌آمیزی شده است. به‌طورکلی، سفیدی چشم در صدف تراش داده می‌شده و مردمک چشم که از سنگ لاجورد بوده در درون صدف چفت می‌شده است. در هزاره سوم پم (۲۹۰۰ تا ۲۳۴۰) تبادل کالا باعث ایجاد موقعیت مناسب اقتصادی شده و امکان استفاده از سنگ‌های نیمه‌قیمتی و فلزات در مجسمه رافراهم می‌سازد. در انتهای این هزاره، در دوران پادشاهی اکد، مجسمه تمام‌قد برای معرفی پادشاهان به کار می‌رود. شرق باستان در هزاره دوم پم (۱۶۰۰ تا ۱۰۰۰) شاهد عملیات

1 Nuzi

2 Tell Sawwan





تصویر ۳. سنگ چشم نذری از حمورابی به شمش، هزاره دوم  
(Gadd, 1951: 44; Frayne, 1990: 361-362)

### تفاوت سنگ چشم با چشم مرصعی

یکی از تفاوت‌های سنگ چشم و چشم مرصع در اندازه‌آهاست. در مقایسه با اندازه سنگ چشم بدون سوراخ و سنگ چشم آویزی که اندازه آنها یکسان است، باید گفت که به طور متوسط سنگ چشم بدون سوراخ از میانگین چشم‌های مرصع معمولی کوچک‌تر و پهن‌تر است (Clyden, 2009: 38). تفاوت دیگر در فرم آنهاست، به طوری که چشم مرصع تقلیدی از واقعیت است و سفیدی چشم دارای فرمی کشیده است که با توجه به نوع حیوان یا پرندۀ مورد نظر تغییر می‌کند، در صورتی که سنگ چشم از سه فرم تعریف شده تبعیت می‌کند. همچنین، می‌توان از تفاوت در رنگ این دو نوع چشم صحبت کرد که در چشم مرصع سفید و سیاه است، در صورتی که در سنگ چشم رنگ‌هایی چون نارنجی یا قهوه‌ای یا بنفش مشاهده می‌شود. به فرق دیگری نیز باید اشاره کرد: در سنگ چشم هر دو بخش تیره و روشن از سنگ است، در صورتی که در چشم مرصع بخش روشن می‌تواند از مصالح دیگری غیر از سنگ ساخته شده باشد.

### چشم مهره‌ای

چشم مهره‌ای واحد تشکیل‌دهنده گردن‌بند است که دارای یک یا چند سوراخ آویز است. این نوع

چشم و ابرو، دندان، و ناخن مرصع برای مجسمه حیوانات مختلف در ترانسه ای ۴ کشف شد (سرافراز، ۱۳۸۵: ۳۸). این مجموعه شامل هشت چشم مرصع بوده که ۴ عدد آن از جنس گچ و آهک پوشیده از یک لایه نازک لعاب بر قسمت سفید چشم است و سه عدد دیگر آن از یک نوع خمیر قرمز رنگ پوشیده از لعاب سبز ساخته شده است. سنگ سیاه به کار رفته برای مردمک چشم از جنس سنگ‌های استفاده شده برای ستون‌های کاخ است. سه عدد چشم مرصع دارای قطری به اندازه ۳۳ و ۳۶ میلی‌متر و ضخامت ۱۱ میلی‌متر هستند و مردمک چشم بین ۱۹ و ۳۳ میلی‌متر قطر دارد. این چشم‌ها پخته نشده‌اند و مرصع‌کاری آن با مهارت زیادی انجام شده است (تصویر ۶). در اولین دوره کاوس کاخ بردک سیاه در ۱۲ کیلومتری شمال شهر برازجان، در یافته‌های این محوطه یک چشم عقاب کشف شد. سفیدی چشم از سنگ آهک و مردمک آن از سنگ آهک سیاه است. چشم دارای شکل بیضی است و هیچ‌گونه شیار شکستگی روی آن دیده نمی‌شود. این چشم عقاب دارای طولی به اندازه ۶/۶ سانتی‌متر و عرضی به اندازه ۴/۶ سانتی‌متر و مردمک آن دارای قطری به اندازه ۳/۷ سانتی‌متر است و دایره داخلی مردمک دارای قطری به اندازه ۳/۲ سانتی‌متر است (یغمایی، ۱۳۸۳: ۲۶ و ۲۸ و ۳۰).





تصویر ۴. گردنبند طلا، تپه حصار، اواخر هزاره سوم و اوایل هزاره دوم پم (Schmidt, 1937: 228)  
تصویر ۵. گردن‌بند با سنگ چشم، حفاری شوش ۱۹۰۱ (موزه لوور)

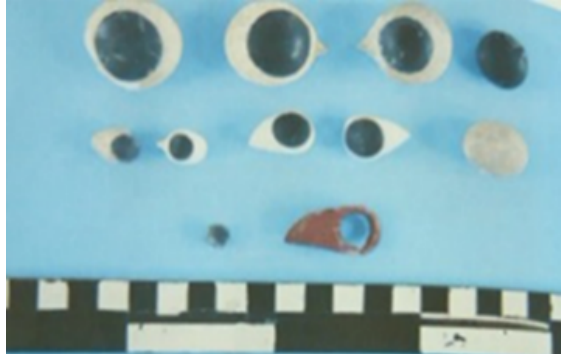
قرون وسطی، در شهر ونیز ایتالیا، چشم مهره‌ای برای صادرات تولید می‌شده و در کشورهای مسلمان یک نوع طلسم پهن و گرد به نام «چشم فاطمه» ساخته می‌شده است. به این ترتیب، این نوع چشم شیشه‌ای در تولیدات مصری و یونانی و اتروسکی دیده می‌شود (Eisen, 1916).

#### برآیند

سنگ‌های چشم‌گونه کشف‌شده در تخت جمشید از سنگ کلسدون ساخته شده و از سه فرم مشخص شده گرد و بیضی و بادامی تبعیت می‌کنند. بیشترین قطر آنها بین ۳ تا ۴ سانتی‌متر، عرض آنها دو سانتی‌متر، و ضخامتشان ۱/۱ سانتی‌متر است. تمام این سنگ‌ها با فن تراش ساخته شده و دور و هستند: یک طرف صیقل خورده و محدب و طرف دیگر مسطح و گاهی نیز برجسته است. سنگ چشم‌ها با فرم گرد در دو اندازه بزرگ و کوچک موجودند. بعضی اوقات در پشت چشم‌های کوچک شیارهایی مشاهده می‌شود. این سنگ‌ها می‌توانند دارای سوراخ آویز و بدون نوشته و گاهی با نوشته و بدون سوراخ آویز باشند. قدیم‌ترین

چشم می‌تواند از شیشه شفاف یا مات ساخته شده باشد. شکل آن گرد، بیضی، مثلثی، یا مربعی است و رنگ‌های متعددی چون آبی، سبز، زرد، و قرمز در آن به کار رفته است، به طوری که از طریق رنگ مهره می‌توان آنها را تاریخ‌گذاری کرد. برای مثال، رنگ سورمه‌ای از خصوصیات تولیدات دوره فرعون رامسس چهارم است و رنگ زرد ساخت دوره رومیان است. هر دوره‌ای فن ساخت مخصوص خود را داشته است. اندازه مهره نشانی از تولیدات دوره مصر باستان است و این نکته برای متمایز کردن چشم مهره‌ای قرن نهم پم از چشم مهره‌ای قرن سوم میلادی از اهمیت زیادی برخوردار است. استفاده فراوان از چشم مهره‌ای شیشه‌ای عمدتاً در سنت و فرهنگ مصری دیده می‌شود (Eisen, 1916).

اولین چشم‌های مهره‌ای از شیشه بین ۱۴۰۰ تا ۶۰۰ پم ساخته شده‌اند. دو چشم مهره‌ای از شیشه در محوطه نوشیجان کشف شد که به احتمال زیاد مربوط به دوره هخامنشیان است (Curtis, 2005: 240). از قرن ششم میلادی، چشم شیشه‌ای با رنگ مات تولید می‌شود. در



تصویر ۶. مجموعه کشف شده در کاخ چرخاب (سرافراز، ۱۳۸۵: ۸۴ تا ۸۹)

به صورت کشیده تراش خورده‌اند و خود نیز تابع یک استاندارد بوده‌اند و دوم در رنگ آنهاست چراکه در سنگ چشم تنوع رنگ وجود دارد ولی در چشم مرصع رنگ سیاه و سفید غالب است. هر دو بخش سنگ چشم از سنگ است، ولی چشم مرصع می‌تواند از مصالح ترکیبی ساخته شود. سنگ چشم‌های بدون نوشته تا سقوط شاهنشاهی هخامنشی مورد استفاده بوده‌اند تا اینکه کارایی خود را با غلبه یونانیان در خاورمیانه از دست می‌دهند. همچنین، در این زمان است که دیدگاه جدید زیبایی‌شناسی در هنر مجسمه‌سازی وارد شرق می‌شود. با چنین تحولاتی در جامعه بسیار مشکل است که با اطمینان رابطه بین سنت استفاده از سنگ چشم در میان رودان را با سنت استفاده از چشم زخم در مدیترانه و مصر و اروپا تأیید کرد. به احتمال زیاد، سنت جدید استفاده از چشم زخم در منطقه مدیترانه به وجود آمده و گسترش پیدا کرده است. حتی اگر سنگ چشم‌های میان‌رودان دارای نیروی نمادین بوده باشند، نمی‌توان آن را با قاطعیت تأیید یا نفی کرد به خصوص که استفاده از این

سنگ چشم‌های بدون نوشته مربوط به اوایل دوره اکد<sup>۱</sup> است، ولی به نظر می‌آید که شروع حک کردن متن روی سنگ چشم‌ها از دوره اور سوم<sup>۲</sup> در بابل باشد. این سنت در دوران سلطنت نبوکد نصر دوم (۶۰۴ تا ۵۶۲ پم) خاتمه یافته است. حک نام خدایان معروفی چون انلیل،<sup>۳</sup> مردوک،<sup>۴</sup> یا ادد<sup>۵</sup> در آن زمان بر این نوع سنگ نشان‌دهنده روابط مذهبی و سیاسی و فرهنگی با بابل بوده است. سنگ چشم‌های با نوشته کاربرد نذری داشته‌اند. با توجه به تعداد فراوان این سنگ در گنجینه‌های هخامنشی باید گفت که به احتمال زیاد آنها جزو غنایم جنگی از خزانه‌های سلطنتی یا معابد بابلی و آشوری بوده‌اند. در دوره‌های آشوری و هخامنشی، سنگ چشم بدون نوشته ارزش تزئینی داشته و با توجه به شکل و اندازه عمدتاً برای زیورآلات و تزیینات مبلغان استفاده می‌شده است. تفاوت آن با چشم‌های مرصع کشف شده در محوطه مشابه با تخت جمشید یعنی محوطه برازجان، اولاً در فرم آن است چراکه چشم‌های برازجان تقلیدی از واقعیت هستند و فرم سفیدی چشم براساس نوع حیوان یا پرندۀ فرق می‌کند و

1 Akkad

2 Ur III

3 Enlil

4 Marduk

5 Adad

سنگ‌های محلی این منطقه برای تولید چشم مرصع مجسمه کاخ‌ها استفاده می‌کردند.

### سپاسگزاری

از دوست محترم، آقای پارسا قاسمی سپاسگزارم که فهرست سنگ چشم‌های موزه تخت جمشید را برای مطالعه در اختیار اینجانب قرار دادند.

نوع سنگ چشم با ناپدید شدن فرهنگ بابلی از بین رفته است. بنابراین، جنبه تزئینی این نوع سنگ‌های چشم‌گونه در دوره هخامنشی اهمیت داشته و دارای ارزش بوده است. با این حال، دشوار است که با قاطعیت تولید سنگ چشم‌های تزئینی را جزو تولیدات کارگاه‌های محلی دانست. با این همه، هم‌زمان، مجسمه‌سازان از

### کتاب‌نامه

میراث فرهنگی، صنایع دستی، و گردشگری استان بوشهر. یغمایی، ابراهیم. (۱۳۸۳). گزارش کاوش‌های برازجان (کاخ بردک‌سیاه) در دشتستان، روستای درودگاه (۱۳۸۴-۱۳۸۳). بوشهر: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی، و گردشگری استان بوشهر.

### الف) فارسی

سامی، علی. (۱۳۳۸). گزارش‌های باستان‌شناسی. تهران: اداره کل باستان‌شناسی.  
سرافراز، علی‌اکبر. (۱۳۸۴). گزارش چهارمین فصل از کاوش‌های چرخاب برازجان. بوشهر: مرکز اسناد سازمان

### ب) نافرسی

André-Salvini, B. (1995). *L'idéologie des pierres en Mésopotamie*, Paris: Musée du Louvre.  
André-Salvini, B. (1995). *Les pierres précieuses dans les sources é crites*, F. Tallon (Paris), p.71-88.  
Amelirad, S. et al. (2012). "The Iron Age Zagros Graveyard Near Sanandaj (Iranian Kurdistan) : Preliminary Report on the first season, *Iranica Antiqua*, Vol. XLVII, p.41-99.  
Boucharlat, R. (1997). "L'architecture achéménide et ses origines", *Dossiers d'Archéologie*, n°227, p.58-71.  
Brinkman, J. A. (1976). *Materials and Studies for Kassite History*, Vol.1, Chicago.  
Brinkman, J. A. (1989). "The inscriptions", *The Holmes expedition to Luristan*, Vol.2, Chicago, p.475-481.  
Campbell, S. et al. (2017). "Tell Khaiber: An Administrative Center of the Sealand Period", *IRAQ*, Vol. LXXIX, p. 21-46.  
Clayden, T. (2009). "Eye-stones", *Zeitschrift für Orient-Archäologie*, N°2, p. 37-86.  
Culican, W. (1975). "Syro-Achaemenian Ampullae", *Iranica Antiqua*, Vol.11, p.100-114.  
Curtis, J. (2005). "The Material Culture of Tepe Nush-i Jan and The End of The Iron Age III Period in Western Iran", *Iranica Antiqua*, Vol. XL, p. 233-248.  
De Mecquenem, M. R. (1922). "Fouille de Suse, Compagnes des années 1914-1921-1922", *Revue d'Assyriologie et d'archéologie Orientale*, Vol.19,

N° 3, p.109-140.  
De Morgan, J. (1905). "Découverte d'une sépulture achéménide à Suse", *MDP VIII*, p. 29-58.  
De Morgan, J. (1905). "Offrands de Fondation du Temple de Chouchinak", *MDP VII*, p.60-136.  
Dubin, L. S. (1987). *The History of Beads from 30.000 B.C. to Present*. London/New York.  
Eisen, G. (1916). "The Characteristics of Eye-beads from the Earliest times to the Present", *AJA*, N°20, p.1-20.  
Haerinck, E. et B. Overlaet. (1998) *Chamahzi Mumah, An Iron Age III Graveyard*. Belgium: Centre International d'Études Indo-iraniennes.  
Harper, O. et al. (1992). *The Royal City of Susa*. New York: The Metropolitan Museum of Art.  
Huot, J-L. (2004). *Une archéologie des peuples du Proche-Orient*. Tome 1-2, Paris (Édition Errance).  
Maloney, C. (1976). *The Evil Eye*. New York.  
Moorey, P. R. S. (1994). *Ancient Mesopotamian Materials And Industries*. The Archaeological Evidence, New York: Oxford University Press Inc.  
Parrot, A. (1970). "Les fouilles de Mari", *Syria*, Vol. XLVII, p.225-243.  
Schmidt, E. F. (1937). *Excavation at Tepe Hissar, Damghan*. Philadelphia: The University Museum.  
Schmidt, E. F. (1957). *Persepolis II: Contents of the Treasury and other Discoveries*. The University of Chicago Press, Vol. LXIX.

- Smith, G. (1875). *Assyrian Discoveries. An Account of Explorations and discoveries on the Site of Ninveh During 1873 and 1874*. London.
- Spycket, A. (1981). *La statue de Proche-Orient ancien*. Netherlands: E. J. Brill.
- Stronach, D. (1963). "Excavation at Pasargades" *First Preliminary Report, IRAN, Vol.I, p. 19-42*.
- Stronach, D. (1965). "Excavation at Pasargades" *Third Preliminary Report, IRAN, Vol.III, p. 9-40*.
- Stronach, D. (1978). *Pasargade*. Oxford: The University press.
- Sumner, W. M. (1986). "Achaemenid settlement in the Persepolis plain", *American Journal of Archaeology*, Vol.90, N<sup>o</sup>1, p. 3-31.
- Thompson, R. C. (1936). *A Dictionary of Assyrian Chemistry and Geology*. Oxford.
- Treister, M. (2003). "Further Thoughts about parthian and Related Belt and Belt plaques", *Iranica Antiqua*, Vol. XXXVIII, p. 247-255.
- Treister, M. (2004). "Estern Jewellery in Sarmatian burialis and estern elements in the Jewellery Production of the north pontic area in the 1st century A.D.", *Iranica Antiqua*, Vol. XXXIX, p. 297-321.
- Van Buren, E. D. (1945). "Amulets in Ancient Mesopotamia", *Orientalia (Nova Series)*, Vol.14, p. 18-23.
- Winckelmann, M. L. (1760). "Description des pierres gravées du feu Baron de Stosch deded-ée a son eminence Monsieur le Cardinal Alexander Albani", *Florence (André Bonducci)*, p.28.
- [https://tavaana.org/fa/Bardak\\_Siah](https://tavaana.org/fa/Bardak_Siah) (access date:09/01/2019)
- <https://www.louvre.fr> (access date :09/01/2019)



© 2022 The Author(s). Published by Tissaphernes Archaeological Research Group, Tehran, Iran. **Open Access.**

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial-NoDerivatives License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>), which permits non-commercial re-use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited, and is not altered, transformed, or built upon in any way. The ethical policy of Ancient Iranian Studies is based on the Committee on Publication Ethics (COPE) guidelines and complies with International Committee of Ancient Iranian Studies Editorial Board codes of conduct. Readers, authors, reviewers and editors should follow these ethical policies once working with Ancient Iranian Studies. The ethical policy of Ancient Iranian Studies is liable to determine which of the typical research papers or articles submitted to the journal should be published in the concerned issue. For information on this matter in publishing and ethical guidelines please visit [www.publicationethics.org](http://www.publicationethics.org).


## Study of “Eye-Stone” in Achaemenid Empire

Niloufar Rezaei Naraghi<sup>1</sup> 

### Abstract

During the exploration of the areas of Persepolis, Pasargad and Suse, the a lot of eye-shaped stones were found in the explored objects among which some were with an inscription but without any holes, some with no inscription but with holes, and some without inscription and without holes. This stone has two colors: Dark in the center and bright in the margin which evokes an “eye”. The presence of this kind of eye-shaped stone with Babylonian inscription in Achaemenid Treasures can be related to the spoils of war from this area, but what was the use of stones without inscription? Were they used as the eyes of sculptures? In that case how they differed from other Embedded eyes obtained from Achaemenid regions such as Borazdjan or eye beads? The purpose of this paper is to introduce these findings and explain their application. Descriptive and comparative methods were used for this purpose. In this article first we describe the discovery in Achaemenid treasures and the registered eyes in Persepolis Museum and meanwhile the “Eye-stone” types are explained, and in following their difference with the Embedded eyes and eye beads in the Borazdjan area is studied. With respect to the description and characteristics of the Eye-stones and their difference with the Embedded eyes, from the point of view of size and color and technique, it can be said that the application of the Eye-stones without inscription was for decorative purposes and the application of Eye-stones with inscription was for votive purposes.

**Keywords:** Treasures of Achaemenid, Eye-stone, Embedded eye, Eye bead.

<sup>1</sup> Doctorante en Archéologie, Université Paris 1- Panthéon-Sorbonne UMR 7041- ArScAn-VEPMO, France.  Niloufar.Rezaei-Naraghi@etu.univ-paris1.fr

**Article info:** Received: 9 September 2021 | Accepted: 1 November 2021 | Published: 1 April 2022

**Citation:** Rezaei Naraghi, Niloufar (2022). “Study of “Eye-Stone” in Achaemenid Empire”. *Ancient Iranian Studies*, Vol. 1 (1): 67-79.

<https://doi.org/10.22034/AIS.2022.146350>